

# تَمَّةُ فَرَهَنگِ الْبُلْغَةِ

مسعود قاسمی

## مقدمه

چنان که آگاهیم، فرهنگِ الْبُلْغَةِ الْمُتَرْجَمِ فِي اللُّغَةِ يَا الْبُلْغَةِ فِي اللُّغَةِ يَا كِتَابُ الْبُلْغَةِ يَا الْبُلْغَةِ کهن ترین فرهنگ شناخته شده عربی - فارسی در نیمه اول قرن پنجم هجری قمری است. مؤلف کتاب الْبُلْغَةِ - ابویوسف یعقوب بن احمد بن محمد بن احمد قاری کُردی نیشابوری (درگذشته: ۴۷۴ هـ ق) - نگارش آن را در سال ۴۳۸ هـ ق به پایان رسانیده است. این فرهنگ حدوداً دارای ۶۰۰۰ لغت بسیط، ترکیب و عبارت عربی است که اکثر آنها به فارسی، و تعدادی به عربی، معنا و تعریف شده و شمار چشمگیری از لغات آن از جمله معرّبات است. الْبُلْغَةُ مانند الْأَسْمَى فِي الْأَسْمَاءِ، السَّامَى فِي الْأَسْمَى، مَقْدَمَةُ الْأَدَبِ و المِرْقَاةُ به صورت موضوعی است، که در ۴۰ باب (هر باب شامل چند فصل، و در مجموع ۲۸۳ فصل) تنظیم و تبویب شده است.

مؤلف، در بعضی موارد، لغاتی را که از یک نوع و جنس اند، به جای آنکه جداگانه

مدخل کند و هرکدام را شرح دهد یا معادلی برای آنها بیاورد، در پی هم آورده و برای همه آنها یک تعریف کلی، به فارسی یا عربی، ارائه کرده است، مثلاً:

«الْقَدَحُ وَالْقِحْفُ وَالْبُلْبُلَةُ وَالْبَاطِيَّةُ وَالْبِجَامُ وَالطَّاسُ وَالْكَأْسُ وَالطَّرُّ جَهَارَةٌ وَالنَّاجِدُ: چیزهاست که در آن شراب خورند» (ص ۱۲۵)؛ «السُّدْرُ وَالسَّمْرُ [السَّلْمُ] وَالرَّثَمُ وَالْعَنَمُ وَالْغَافُ وَالْبَشَامُ وَالْمَرْخُ وَالْعَفَارُ وَالْكَنْهَيْلُ وَالْإِسْحَلُ: مِنْ أَشْجَارِ الْبَادِيَةِ» (ص ۳۰۹)؛ «التَّعْضُوضُ وَالْقَسْبُ وَالْجَيْبُ وَالْبَرْنِيُّ وَالْأَزَاذُ وَالْعَجْوَةُ: ضُرُوبٌ مِنَ التَّمْرِ». (ص ۳۱۱)

دسته‌ای از لغات البلغه آنهایی است که از نظر مؤلف نیازی به تعریف نداشته و معنایش آشکار بوده و در آن دوره از لغات ساده و روشن محسوب می‌شده؛ مؤلف این‌گونه لغات را با کلمه معروف و معروفات مشخص کرده است، مثلاً:

«الْقَرَابَةُ وَالصَّرَاحِيَّةُ وَالْقَيْنِيَّةُ: معروفٌ». (ص ۱۲۵)

تعداد دیگری از لغات را مؤلف به عنوان مترادف آورده و معنی واحدی را برای آنها ذکر کرده، مثلاً:

«الْجَنْبُ وَالذَّفُّ وَالْكَشْحُ: پهلو» (ص ۳۸)؛ «الْخَمْرُ وَالرَّاحُ وَالرَّحِيقُ وَالْعُقَارُ: می».

(ص ۱۲۵)

البته این شیوه فرهنگ‌نویسی خاص البلغه یعقوب کردی نیشابوری نیست و در فرهنگ‌های عربی به فارسی، مانند البلغه، مقدمه الادب، تاج الاسامی، السامی فی الاسامی،

الاسمی فی الاسماء... آموزش و اشاعه زبان عربی، به عنوان یک زبان دینی و علمی، بوده است؛ اینان در کنار این، احاطه و تسلط خود را بر زبان عربی نیز نشان می‌دادند و نام خود را ماندگار می‌ساختند. بنابراین نباید چنین پنداشت که هدف این‌گونه ادیبان و محققان از تألیف فرهنگ‌های عربی - فارسی، حفظ و اشاعه زبان فارسی بوده است، اما

آنان ناخواسته و ندانسته بخشی از زبان و فرهنگ ملی ما را، در سایه زبان عربی، به ما منتقل نموده‌اند.

از کتاب البلغه تاکنون ۶ نسخه شناسایی شده است:

- ۱- نسخه شماره ۱۳۰۵۱ کتابخانه مجلس شورا، مورخ ۶۲۰ ه.ق.
- ۲- نسخه شماره ۹۵۴ کتابخانه سی در اماسیه (ترکیه)، مورخ ۶۵۴ ه.ق.
- ۳- نسخه شماره ۳۰۵ کتابخانه چستربیتی (ایرلند)، مورخ ۶۶۸ ه.ق.
- ۴- نسخه شماره ۱۴۴۳۳ کتابخانه مجلس سنای سابق، بدون تاریخ و از قرن ۷ ه.ق.
- ۵- نسخه شماره ۵۳۱ کتابخانه گوتا (آلمان)، مورخ ۸۲۴ ه.ق.
- ۶- نسخه شماره ۱۵-۱۹۷۶ موزه ملی پاکستان، در کراچی، بدون تاریخ و از قرن ۱۱ و ۱۲ ه.ق.

کتاب البلغه در سال ۱۳۵۳ ش به اهتمام مجتبی مینوی و فیروز حریرچی، براساس نسخه کتابخانه آماسیه و با مقابله نسخه گوتا، به همت انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، در تهران، منتشر شد.

نگارنده (قاسمی ۱۳۸۳) در مقاله «درباره لغات نسخه کهن کتاب البلغه» لغات و حواشی و شروحنی را که در نسخه چستربیتی آمده بود و در کتاب البلغه چاپ تهران وجود نداشت، منتشر کرد.

ابوالحسن علی بن احمد فنجگردی<sup>۱</sup> نیشابوری (درگذشته: ۵۱۳ ه.ق)، یکی از مریدان فاضل یعقوب گردی نیشابوری، تکمله و تتمه‌ای بالغ بر ۴۸۰ لغت<sup>۲</sup> عربی با معادل‌های

---

(۱) یاقوت حموی در معجم البلدان (ج ۴، ص ۲۷۷) و معجم الأدباء (ج ۴، ص ۱۶۶۴) نوشته است که فَنجَكِرْد (Fanjakird) قریه‌ای است از قرای نیشابور (بر حدّ دَرَب). سَمَعانی در الأَنسَاب (ص ۴۳۲) تَلَفَظ فَنجَگَرْد را فَنجُکِرْد (Fanj(u)kird) آورده است. در چاپ عکسی السّامی فی الأَسامی، مورخ ۶۰۱ ق (ص ۱۵) الفَنجَکِرْدی (به کسر فا و فتح جیم و کسر کاف) ضبط شده است.

(۲) در مقدمه کتاب البلغه (ص ۸) به این تتمه اشاره شده و تعداد لغات آن ۸۴ عدد نوشته شده که باید خطای

فارسی آنها، که استادش در البلغه نیاورده است، تحت عنوان تَمَمَة کتاب البلغه بر فرهنگ مذکور نوشته است.

ابوالفضل احمد بن محمد بن احمد بن ابراهیم میدانی نیشابوری (درگذشته: ۵۱۸ ه.ق)، مؤلف فرهنگ السّامی فی الأسمای، شاگرد علی فنجگردی بوده و در مقدمه این فرهنگ (چاپ عکسی، ص ۱۵) گفته است که السّامی فی الأسمای را به «تحضیض» و تشویق استادش - شیخ امام ابوالحسن علی بن احمد فنجگردی - به پایان آورده است. تتمه فنجگردی بر البلغه در ۲۴ فصل و چنان‌که اشاره شد شامل ۴۹۴ لغت عربی و معرب است که فنجگردی آنها را در کتاب البلغه نیافته است. اکثر لغات عربی تتمه البلغه در متن چاپی و دست‌نویس‌های شناخته‌شده البلغه نیامده است. تعدادی از این لغات بعضی از کلمات عربی مترادف است که یعقوب گردی در البلغه نیاورده، ولی فنجگردی به آنها توجه کرده و در تتمه خود آورده است، مثلاً:

تتمه کتاب البلغه	کتاب البلغه
سرما	ابن الغمام (ص ۲۷۰) سرما
القر و الصیر	البرد (ص ۳۷۵) سرما
جامه داشته	جامه کهن (ص ۱۶۰) اللیس
سنگ سپید و سست	سنگ سپید و سست (ص ۲۷۸) الیرمع
پایه نردبان	نردبان پایه (ص ۱۷۱) المرقة
ارزیز	ارزیز (ص ۲۸۴) الصرقان
آسمانه	آسمانه خانه (ص ۳۲۴) السّمک

چاپی باشد و عدد صحیح ۴۸۰ است؛ زیرا در صفحه اول نسخه تتمه کتاب البلغه، که به خط کاتب است، نوشته شده: «عدد لغاتها اربعماية و ثمانون». البته تعداد دقیق لغات این تتمه ۴۹۴ لغت است. این خطا، به تبعیت از مقدمه کتاب البلغه، در برخی از منابع و نوشته‌های دیگر تکرار شده است.

العَرین	جایگاه شیر (ص ۳۲۱)	الغاب و الشّری و الخیس	جایگاه شیر
المارستان	بیمارستان (ص ۳۱۸)	دارُ المرَضی	بیمارستان
المِرآة	آینه (ص ۱۶۴)	المَاویة و السَّجَنَجَل	آینه
النَّوَق	ناوه	الراقود	ناوه

اما تعداد کمی از لغات تنمّه البلّغه در کتاب البلّغه وارد شده است. این لغات را بعدها کاتبان البلّغه از تنمّه البلّغه، یا از مأخذ دیگری، به اصل کتاب البلّغه افزوده‌اند، مثلاً:

کتاب البلّغه	تنمّه کتاب البلّغه
أُنافیّ	بزرگ بینی (ص ۲۱)
البَحْر و الیَمّ	دریا (ص ۲۷۸)
البرّآة و الطّهیان	کوزه‌آویز (ص ۱۶۹)
البّهو	ایضاً صفه (ص ۳۲۳)
الزَّرْعُبّ	کَیْمُخْت (نسخه شماره ۱۳۰۵۱ مجلس، ص ۵۲)
الخَرِیف	پائیز (ص ۳۴۲)
النَّعش	تختِ مرده (ص ۳۱۹)
	الأُنافیّ
	الیَمّ
	البرّآة
	البّهو
	الزَّرْعُبّ
	الخَرِیف
	النَّعش

در تنمّه کتاب البلّغه، گاهی لغات عربی به واژه‌های فارسی‌ای برگردانده شده که نه تنها در خود کتاب البلّغه بلکه در سایر فرهنگ‌های قدیم و جدید نیز دیده نمی‌شود، از جمله:

آب روزه	الشَّرِب	راو	السُّلَاف
برماندگی	اللّوی	کاردارانه	العُمَالَة
تاغن	التَّبَق	کَیْمُخْت	الزَّرْعُبّ
تَرُنْجُون	العَفِص	نیاز و دار	العُقَّة و البلّغَة و المَسْکَة
تَرُنْجَوینی	العُفُوصَة	دارویی که واپی کنند	السُّفُوف

چنان‌که اشاره شد، یکی از نسخ کهن البلغه در کتابخانه چستریتی است. در دست‌نویس کتابخانه چستریتی، که مجموعه‌ای است از چند فرهنگ عربی به فارسی، به‌جز فرهنگ البلغه، سه فرهنگ خرد عربی به فارسی دیگر نیز وجود دارد که تتمه کتاب البلغه یکی از آنهاست. این مجموعه فرهنگنامه‌ها را کاتب عالم و خوش‌خطی از آذربایجان، به‌نام عبدالملک بن ابراهیم بن عبدالرحمن القفالی، در سال ۶۶۸ هـ ق کتابت کرده است.

این مجموعه، با فیلم شماره ۳۴۳۳ و عکس شماره ۶۵۷۸، در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران مضبوط است. متن حاضر را نگارنده بر پایه همین نسخه منحصر به فرد ارائه کرده است.

### ویژگی‌های نوشتاری

- ۱- علامت مدّ الف ممدود (~) در اکثر موارد آمده و در چند مورد نیامده:  
آنک (= آنک)، براماسیذه (= برآماسیذه)، برامذه (= برآمذه).  
این علامت در متن حاضر همه جا گذاشته شد.
- ۲- حرف «پ» هم با یک نقطه و هم با سه نقطه نوشته شده.  
با یک نقطه: بره تنور (= پره تنور)، بلاس (= پلاس)، بلیذ (= پلید)، بوست (= پوست)، بیجا (= پیجا)، بیشانی‌بند (= پیشانی‌بند)، بیشه (= پیشه)، بنهان (= پنهان).  
با سه نقطه: بی‌پذر، پاک، پذر پریان، پَر مرغ، پَس، پَلیذه.
- ۳- حرف اضافه «به» همه جا به کلمه بعد از خود پیوسته است.
- ۴- حرف «ج» همه جا با یک نقطه (ج) نوشته شده. در متن حاضر با سه نقطه (چ) آمده است.
- ۵- حرف «د»، در اکثر موارد پس از مصوت‌های کشیده و کوتاه، «ذ» نوشته شده.
- ۶- آنچه، آنکه و که در همه جا آنج، آنک و کی نوشته شده.

- ۷- زیر حرف «ح»، برای اشتباه نشدن با «خ»، یک «ح» خُرد نوشته شده.
- ۸- زیر حرف «س»، برای اشتباه نشدن با «ش»، در برخی موارد، سه نقطه نهاده شده.
- ۹- حرف «گ» همه جا، و بدون هیچ علامتی، به شکل «ک» نوشته شده. در متن حاضر «گ» آمده است.
- ۱۰- صامت میانجی قبل از کسره اضافه، در اکثر موارد، به صورت همزه (ء) نشان داده شده است:

بناء زیرین، دسته آسیا، زانوئ دیوار.

- ۱۱- حرف «های» بیان حرکت، در جمع با علامت «ها»، نوشته نشده: حَلَقَهَا (= حلقه‌ها).
- ۱۲- روی حرف «ی» نکره، علامت همزه (ء) گذاشته شده: ذاروی کی واپی کنند. و در یک مورد دیگر، هم با علامت همزه و هم کسره است: ذاروی کی بلیسند.

## ویژگی‌های آوایی

### ۱- تحوّل صامت‌ها

- ب (پ) / ف : گوسبند (گوسپند) = گوسفند
- ب / گ : بنجشک = گنجشک
- ژ / ج : باژ = باج
- س / ش : سِنْگَرَف = شنگرف
- غ / د / خ / ت : کیمغد = کیمخت
- و / ب : اوله = آبله، باژوان = باژبان، پشتیوان = پشتیبان، دستوانه = دستبانه
- و / ف : اوگار = افگار، اوکنند = افکنند
- ه / س : خروه = خروس

ل / ه : خراج پزول = خراج پزوه

## ۲- تحوّل مصوّت‌ها

کلماتی که ذیل عنوان «ویژگی‌های تلفظی» (در ادامه) آمده‌اند، در واقع، همان تحوّل مصوّت‌های کوتاه را نشان می‌دهند که در خط فارسی نوشته نمی‌شود و شاید، به همین دلیل، این نوع دگرگونی‌ها، که در خط ظاهر نمی‌شود، کمتر به عنوان تحولات آوایی مطرح شده، همان طوری که تحوّل صامت‌ها و مصوّت‌های بلند، که در خط ظاهر می‌شود، عموماً به عنوان ویژگی‌های تلفظی و گویشی در نظر گرفته نمی‌شوند.

## ویژگی‌های تلفظی

با توجه به آنکه اکثر کلمات در این اثر حرکت‌گذاری شده، تلفظ آنها در آن دوره، لاقط در زبان مؤلف یا کاتب، مشخص می‌شود. در ذیل، به‌جز تلفظ مصوّت َ /a/ پایانی و تلفظ صامت «ذ» (پس از مصوّت‌های بلند و کوتاه) که در گذشته رایج بوده، به تلفظ برخی کلمات دیگر اشاره می‌شود:

بُبریذَه، بُرنج، بسیارخیر، پلک چشم، پیش‌رو، پیوستگی، جُوان، چَهارپای، خَسْتَر، خَوَرَه، خوی، دُبیر، دُومین، دُولت، سَخُن فروش، سَرگین، سَوگند، شترسُوار، فراخ عَیش، کُهَن، کَیمُعد، گوشت‌آهنج، مَوری، مَی، نُو برده، پایَه نَرْدبان، نَی، نَیزه، وِی، یَک‌دانه، یَگانه.

## حذف و اضافه

بُبریذَه = بُبریذَه، آژو = از او، دَرُو = در او، دَسْتَره = دست ارّه، دشخوار = دشوار  
نگارنده در ارائه این متن کهن کوشش کرده است ویژگی‌های نوشتاری نسخه را رعایت کند.



### تَمِّمَةُ كِتَابِ الْبُلُغَةِ

عملها الشيخ الأديب أبو الحسن علي بن أحمد الفنجكردى، رحمه الله  
عَدَدُ لُغَاتِهَا أَرْبَعُمِائَةٍ وَتَمَانُونَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
رَبِّ أَنْعَمْتَ فَرْدُ

ج	الاشياءُ	چیز	الشَّيْءُ
ج	الاسماءُ	نام	الاسْمُ
ج	الحيواناتُ و التسمُّ	جانور	الحيوانُ و التَّسْمَةُ
		آنک جان ندارد از چیزها	المواتُ
ج	الميتاتُ و الجيفُ	مردار	الميتةُ و الجيفةُ
		زندگانی	الحياةُ
		مرگ	الموتُ
ج	البهائمُ و الانعامُ	چهار پای	البهيمةُ و التَّعَمُّ
ج	الوحوشُ	دامی	الوحشُ
ج	الناسُ و الاتاسُ	مردم	النَّاسُ
		مرد	الإنسانُ
		زن	الإنسانةُ
		مردمی	الإنسانِيَّةُ
		مرد	المَرءُ
		نر و ماده	الخُنثَى

ج	الْأَلْوَانُ	گُونَه	اللَّوْنُ
ج	الشَّمَامَاتُ	نِشَانِ بُزْرَگ	الشَّمَامَةُ
ج	الْأَوْسَاحُ	شُوخ	الْوَسَخُ
ج	الْأَعْرَاقُ	خَوَى	العَرَقُ
		آنجا یگاه کی خوی آژو بیرون آید	المَسَامُ
ج	الْأَمْشَاجُ	خُون و نُطْفَه بِيَامِيخْتَه	المِشْجُ
		پَرِنْدَه	الطَّائِرُ
		پَذَرِ پَرِيَان	الْبَجَانُ
ج	السَّجَايَا	خُو	السَّجِيَّةُ
		اصِلِ مَرْدَم	العُنْصُرُ و المَنْصِبُ و النِّجَارُ

## فَصْلٌ

ج	الْأَعْتَابُ و النُّسُولُ و الدَّرِّيَّاتُ و الدَّرَارِيُّ	فَرَزَنْد	العَقَبُ و التَّسْلُ و الدَّرِيَّةُ
ج	الْأَيْتَامُ و الْيَتَامَى	بِي پَذَرَمِ اَلْوَالِدِ	الْيَتِيمُ
	زاد خوست		القَصِيحُ
	دِيرِينَه		الدُّمْرِيُّ
	آنک بَعْصَا رَوذ		الدَّالِفُ

## فَصْلٌ

دُوشِيژِگِي	البَكَارَةُ و العُدْرَةُ
فَرَا رَسِيذَه	البَالِغَةُ و المُدْرِكَةُ

	نَزْدِيكَ زَه رَسِيْدَه	المُقْرَبُ
	دَرْدِ زَه	المَخَاضُ وَ الطَّلُقُ
ج	المُخَدَّرَاتُ وَ المَقْصُورَاتُ	المُخَدَّرَةُ وَ المَقْصُورَةُ
ج	الأَوَانِسُ	الآنِسَةُ
	از حَيْضِ بِشَدَه	القَاعِدُ

### فَصْلٌ

	موى سَرِّ كُوذِكِ چُونِ بَزَايِنْد	العَقِيْقَةُ
ج	موى بِنْدِ العُقْصُ	العِقَاصُ

### فَصْلٌ

	رُوى آوَلَه نِشَانِ	وَجْهٌ مُجَدَّرٌ
	بِرَامَاسِيْبِيْذَه	و مِهْبِيْجٌ
	سُوْخِ رُوى سَانِي وَمَطَالَعَاتِ فَرَسِي	و صَفِيْقٌ وَ وِقْحٌ
	دِرَازِ مَرَه	الْأَوْطَفُ
ج	سَبِيْذِ پَلِكِ چِشْمِ المَرَهَانُ	الْأَمْرَةُ
	بُزْرُغِ بِيْنِي	الْأُنَافِيُّ

### فَصْلٌ

	رُوشِنِي دِنْدَانِ	الشَّنْبُ
	دِنْدَانِ زِيَادَتِ بَرَامَدَه	الْأَتْعَلُ
	تِيْزِي دِنْدَانِ	العَرْبُ وَ الأَشْرُ

حَبْلُ الْوَرِيدِ رَگِ جان  
الْغُرُضُوفُ وَالْغُضْرُوفُ آنچ با استخوان ماند و نه استخوان بُود

### فَصْلٌ

الرُّوعُ وَالْخَلْدُ وَالْبَالُ وَالذَّهْنُ هُوشِ دِل  
الْبَطِينُ بزرگ شکم  
الْمَبْطَنُ باریک شکم  
الْمَبْطُونُ بیمار شکم  
الْمَصِيرُ وَالْقَتْبُ رُوذ گانی ج  
الْعَفِجُ وَالْحَوِيَّةُ چَرَبِ رُوذ ج  
الذَّرَقُ سَرگینِ مُرغان  
الْخِرَّةُ سَرگینِ ماکیان  
التَّجْوُ سَرگینِ دذگان

### فَصْلٌ

الْخَصِيَّةُ خایه بکشیده  
الْخِصِيَّةُ وَالْخِصِيَانُ وَالْمَجْبُوبُ وَالْمَسْوُحُ سَاذَه بکرده  
الضَّبْنُ زير بَغَل  
الْأَحْمَشُ باریک ساق  
الْأَقْوَلُ آنک زشت لَنگ بُود  
الْخَامِعُ وَالظَّالِعُ آنک وَا لَنگَذ

### فصل

ج	الْوَصْلَاتُ وَالْأَوْاصِرُ	پیوستگی	الْوَصْلَةُ وَالْآصِرَةُ
ج	الْأَهْلُونَ	معروف	الْأَهْلُ
ج	الْأَسْرُ وَالْعِترُ	دوژه	الْأَسْرَةُ وَالْعِترَةُ
ج	الْحَوَاضِنُ	آنک کُودک نگاه دارذ	الْحَاضِنَةُ
ج	السَّبَاءُ	برده	السَّبِيُّ
		نو برده	الْجَلِيبُ
		آنک از پس مرگ آزاد کرده باشند	الْمُدَبِّرُ
		آنک وی را باز فروخته باشند	الْمُكَاتِبُ
ج	الرِّفَاقُ	گروهی هم راه	الرِّفْقَةُ
		گروهی بسیار مجهول	الرِّعَاعُ وَالْغَاعَةُ وَالْغَوَاعَاءُ
		کاروان	الْقَيْرَوَانُ
ج	الْقَوَافِلُ	کاروانی کی باز گردیده باشند	الْقَافِلَةُ
			الْخَافِقُ
ج	خَلَقَ الْخَلَائِقُ وَالْبَرَايَا		الْخَلِيقَةُ وَالْبَرِيَّةُ وَالْإِنَامُ وَالْوَرَى
ج	الْمُلُوكُ	پادشاه	الْمَلِكُ
ج	الْأَمْلَکُ وَالْمَمَالِکُ وَالْتَحِيَّاتُ	پادشاهی	الْمُلْکُ وَالْمَمْلَکَةُ وَالْتَحِيَّةُ
		لشکرگاه	الْمُعَسْکَرُ
		حرب گاه	الْحَوْمَةُ وَالْمُعْتَرَكُ
ج	الرُّکْبُ وَالرُّکْبَانُ	شتر سوار	الرَّاکِبُ

ج	الرَّجُلُ وَ الرَّجَالُ وَ الرَّجَالَةُ	پیاده	الرَّاجِلُ
		گروه	الْفِئَةُ
		زینهاریان	أَهْلُ الذِّمَّةِ
		جهودان و ترسایان	أَهْلُ الْكِتَابِ

### فصل

ج	الْمُنَافِقُونَ	دوروی	الْمُنَافِقُ
ج	الرَّبِيبُونَ وَ الرَّبَائِيُونَ	مرد خدای	الرَّبِيبُ وَ الرَّبَائِيُّ
ج	الْحَوَارِيُّونَ	خاص پیغمبران	الْحَوَارِي
ج	الْحُكَّامُ وَ الْقَضَاءُ	داور	الْحَاكِمُ وَ الْقَاضِي
ج	الْأَيْمَةُ	پیش رو	الْإِمَامُ
ج	الْفُقَهَاءُ	دانشمند	الْفَقِيهَةُ
		میانجی	الْحَكْمُ وَ الْمُتَوَسِّطُ
ج	الشُّهُودُ وَ الْأَشْهَادُ	گواه	الشَّاهِدُ
ج	الشَّهَادَاتُ	گواهی	الشَّهَادَةُ
ج	الْإِيْمَانُ وَ الْأَقْسَامُ وَ الْآلِيَا	سوگند	الْيَمِينُ وَ الْحِلْفُ وَ الْقَسَمُ وَ الْآلِيَةُ
ج	الْأَوْصِيَاءُ	معروف	الْوَصِيُّ
		باژوان	الْمَكَّاسُ
		باژ	الْمَكْسُ
		کاردارانه	الْعُمَّالَةُ
		راه‌بر	الدَّلِيلُ
		صدقه‌ستان	المُصَدِّقُ

آنک گوسبند شمرذ	المُحْصِي
خَراجِ سَتان	المُسْتَخْرِجُ
خَراجِ پُژول	المُسْتَحِثُّ

### فَصْلٌ

	شکنجه	الدَّهْقُ
ج	دُبِير	السَّافِرُ
	زَر و سِيم	الصَّامِتُ و النَّاضُ
	چهارپای	الناطِقُ
	ضِياع و مُسْتَعْلُ	العقار
	مالی که از آن طمع بُریدَه باشند	الضِّمَارُ
	مالِ بَسِيَّار	الوَفْرُ
	گَنج	الكَنْزُ
ج	مالِ پنهان كَرْدَه	الدَّقِينُ
ج	خواسته	المَالُ و النَّشْبُ و العَرَضُ
	الأموالُ و العَرُوضُ	

### فَصْلٌ

پاک	النَّقِيُّ و النِّظِيفُ و الطَّاهِرُ
پَلِيد	النَّجِسُ و الرَّجْسُ و القَدْرُ
پَلِيدَه	الخُبْتُ و النَّجَاسَةُ و القَدْرُ
تمام آلت	البَارِعُ و الكامِلُ
دين دار	الدين

	الخَيْرُ	بسیار خیر
	الْأَوْحَدُ	یگانه
	السَّبْقُ	چابک
	الضَّرْبُ	آزاده
	الرَّعْرُعُ	بذخو
	الْوَضَاعُ	آنک دروغ فرا نهد
	الْإِفْكَ وَالْكَذِبُ وَالزُّورُ وَالْبُهْتَانُ	دروغ
	الْبَطَالُ	بی کار
	الْأَلْمَعِيُّ وَالْمُحَدَّثُ	آنک عاقبت کارها بداند
	الْمُعْتَرُ	آنک آشکارا نخواهد
	المُوسِرُ وَالْمُوسِعُ وَالْوَاجِدُ	توانگر
	الْغَفَّةُ وَالْبُلْغَةُ وَالْمَسْكَةُ	نیاز و آذار
ج	الْجَلِيلُ وَالشَّرِيفُ وَالْتَّبِيهُ	بزرگووار
ج	السَّيِّدُ وَالْهَمَامُ وَالصَّنْدِيدُ	مہتر علوم انسانی و طب
ج	العَالِمُ	دانا
ج	الْجَاهِلُ	نادان
	الْهَائِمُ	دل بر خاسته
	اللَّهْوُ وَاللَّعِبُ وَالذَّدُّ	بازی
	الْمَهِينُ	خوار
	الدَّنِيُّ وَالْوَعْدُ	فرومایه
	الْمَلَّادُ	سخن فروش
	الْجَدُّ وَالْبِخْتُ	دولت



ج	السَّحْرَةُ	جَادُو	السَّاحِرُ
		فَرَاخُ عَيْشٍ وَ بِي أَنْدُوهُ	المُتَرَفُّ
		بِي هُوش	المَدْهُوشُ
		مَى خَوَارَه	الشَّرِيبُ وَ الخَمِيرُ
		هَمِيشَه مَسْت	السِّكِيرُ
ج	الأَصِحَاءُ	تَن دَرُست	الصَّحِيحُ
ج	الصَّرَعَى	افكَنده	الصَّرِيعُ
ج	السِّرَاعُ	زُود	الوَشِيكُ وَ السَّرِيعُ
ج	البِطَاءُ	دِير	البَطِيءُ
ج	الشَّدَادُ وَ الصَّلَابُ	سَخْت	الشَّدِيدُ وَ الصَّلْبُ
		سُست	الرَّخْوُ
		أَسَان	السَّهْلُ وَ الْيَسِيرُ وَ الْهَيِّنُ
		دشخوار	العَسِيرُ
		زَبْت	البَغِيزُ
		زَنِى دِرَاز بَالَا	إمْرَأَةٌ رَشِيقَةٌ
		كُوتَاه	وَ مُحْتَرٌ
		زَايَنده	وَ وُلُودٌ
		زشت	وَ سَوَاءٌ وَ شَوْهَاءُ
		بُويَا	وَ مِعْطَارٌ وَ عَطِرَةٌ
		بَسْتَه اندام	وَ رَتْقَاءُ

فصل

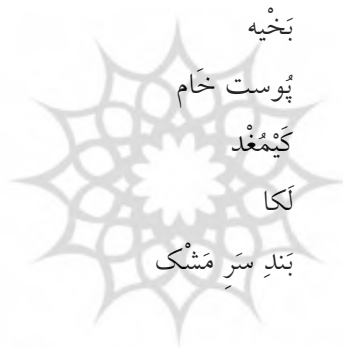
ج	الاکلیل	أفسر	الإكليل
ج	التمايم	تعويد	التَّمِيمَةُ و العُودَةُ
	الحلیج	پیرایه	الحلی
		یک دانه	الفريد
		گاورسه	الشدر
		پیشانی بند	العصَابَةُ

فصل

ج	الصناعات و الحرق	پیشه	الصنَاعَةُ و الحِرْفَةُ
ج	المَاهِرُونَ و الحدائق	استاذ در پیشه	المَاهِرُ و الحاذِقُ و الطَّبُّ
		آنک ساخت برزند	المُرْكَبُ
		آنک کراسه بز کند	المُذْهَبُ
		خواب گزارسانی و مطالعات فرسبی	المُعَبَّرُ
		ستاره شناس	المُنَجِّمُ
		صورت گر	المُصَوِّرُ
		شکر فروش	السُّكَّرِيُّ
		غربال فروش	الغُرْبَالِيُّ
		داش گر	الفَخَّارِيُّ
		بوقزن	البُوقِي
		علم دار	العَلَمِيُّ
		مُرغ فروش	الطُّيُورِيُّ

مَحْمِلُ فُرُوش	المَحَامِلِيُّ
ریش بز شک	الآسِي
أَفْسُونُ كَر	الرَّاقِي
جوال دوزگر	المِستَلِي
شانه گر	المُشْطِيُّ

## فَصْلٌ



بَخِيه	الْخُرْزَةُ
پوست خام	الْقِدُّ
كَيْمُغْد	الزَّرْعَبُ
لِكا	الذَّارِشُ
بندِ سَرِ مَشَك	الشِّنَاقُ

## فَصْلٌ

ج	الجَوَارِي	كَشْتِي دَر حَالِ رَفْتَنِ	الجَارِيَةُ
---	------------	----------------------------	-------------

## فَصْلٌ

خُرِيْثُ	المَلَّةُ
خَمِيرِ مَائِه	الخَمِيرَةُ والرُّوبَةُ
پَرِه تَنُور	السَّارُوقُ
آتش دان	المُسْتَوْقَدُ
مَعْرُوف	القَقْسُ

دستوانہ باز	القُقَازُ
چینہ	اللُّقَطَةُ
ریزہ دسترہ	الثُّشَارَةُ
تراشہ	الثُّحَاتَةُ
تراشیش قلم	الْبُرَايَةُ

### فَصْلٌ

مِیْ	الدُّرْدِيُّ	الدُّمَامُ و المَّدَامَةُ و القَهْوَةُ و الصَّهْبَاءُ و القَرْقَفُ و الخَنْدَرِيسُ و الحَمِيَّاءُ
	أَمِيخْتَه	العُكْرُ
	جُوشِيْدَه	المُشْعَشَعَةُ و المَمْرُوجَةُ
	رَاوِ اَنَ	الطَّلَا
		السُّلَافُ

### فَصْلٌ

ج	دَارُو	الدَّوَاءُ
ج	مَعْرُوفٌ	الشَّرَابُ
	سِرِسْتَه	المَعْجُونُ
	دَارُو كِي وَا بِيْنِي اوكُنْد	السَّعُوْطُ
	دَارُو كِي بَدَهْنِ فَرُو كُنْد	الوَجُورُ
	دَارُو كِي بِيَكِ سُوِي دَهْنِ فُرُو كُنْد	اللَّدُوْدُ
	دَارُوِي كِي بَلِيْسَنْد	اللَّعُوْقُ
	اَنَكِ دَنْدَانِ بَدَانِ بَمَالَنْد	السُّنُونُ

	الصَّبِغُ	رَنگ
	السِّنَجَرُفُ	سِنگَرَفُ
	الرَّيْجَارُ	زَنگَار
	اللَّازُورْدُ	مَعْرُوفُ
	الصَّنْعُ	أَيْضاً مَعْرُوفُ
	الرَّيْجَبِيلُ	مَعْرُوفُ
	العِظْمُ	وَسَمَهُ
	العَنْدَمُ و دَمُ الْأَخْوَيْنِ	خُونِ سِيَاوَشَانِ
	الدِّقْلَى	خَرْزَهْرَه
	الهِنَاءُ	قَطْرَان
	الرِّقَّتُ	قِير
ج	الْوَجَعُ و اللَّامُ و الْوَصْبُ	دَرْدُ الْأَوْجَاعُ و الْآلَامُ و الْأَوْصَابُ
	الْأَلِيمُ	دَرْدِ سَخْتِ
	المَحْمُومُ و المَوْعُوكُ	تَبُّ گِرْفَتَه
	الْوَعَكُ	تَبُّ
	اللَّوَى	بِرْمَانْدِگِی
	المَعَصُ	پِیچایِ نَافِ
	الرَّحِیرُ	بِرینَا
	البُهْرُ و الرِّبُو	دَمَا
	العُدْرَةُ	دَرْدِ گَلُو
	الإِجْلُ و الإِدْلُ	دَرْدِ گَرْدَنِ
	الرِّمِنُ و الضَّمِنُ	أَوگَار

	یرجای بماندہ	المُقَعَّدُ
	وا گرفتنِ بُول	الْأَسْرُ
	بُول وا گرفتہ	الْمَأْسُورُ
	وا گرفتنِ شکم	الْحَصْرُ
	شکم وا گرفتہ	الْمَحْصُورُ
ج	ریش	الْقَرْحُ
ج	الْقُرُوحُ	الجِرَاحَةُ وَّ الْجُرْحُ
ج	الْجِرَاحَاتُ وَّ الْجُرُوحُ	الْجَلْبَةُ
	کرہ ریش	التَّدْبُ
	نشانِ جِرَاحَتِ	الْحِكْمَةُ
	خارش	الْإِكْلَةُ
	خورہ	التَّقْرِسُ
	درد پای	التَّفْسِيرَةُ
	آن آب کی بز شک دَرُو نِگَرْد	المِحْرَافُ
	میل ہم انسانی و مطالعات فرہنگی	المُجَبِّرُ
	استخوان بند	الْجِبَارَةُ
ج	الْجِبَارَاتُ	آن تختہ کی بر شکستہ بندند

### فَصْلٌ

میزبان	المُضِيفُ
نویذہندہ	المُنُوِّشُ
طُفَيْلِي بَرِ طَعَامِ	الضَّيْفَانُ وَّ الطُّفَيْلِيُّ وَّ الْوَارِثُ
طُفَيْلِي بَرِ شَرَابِ	الْوَاغِلُ

	آنک بسحر خورند	السَّحُورُ
	آنک بروزه کُشاذن خورند	الْفَطُورُ
[ج]	نَانِ تَنَكِ الصَّلَاقِ	الصَّلِيقَةُ
	بُوی دیگ	الْقَتَارُ
ج	باقی خوردی العَقَبُ	العُقْبَةُ
	يَخْنِي	الْغَابُ
	بُوی گرفته	المُرُوحُ
	كُنْدَا	المُنْتِنُ و المَخِمُّ و المَصِيلُ
	كِرْمِ دِرَاقَتِيذِهِ	المَدُودُ
	بُرَنجِ بَشِيرِ	البَهْطُ
	پُوست خایه زَبَرِينِ	القَيْضُ
	زیرین	الغِرْقِيُّ
ج	خوای الطُّعُومُ	الطَّعْمُ
	خوش الشَّهِي	اللَّدُّ و اللَّذِيذُ و الشَّهِي
	تَرَنْجُونِي	العَفْوَصَةُ
	تَرَنْجُونِ	العَفِصُ
	رُوعَنِ زَيْتِ	السَّلِيطُ
	فَصْلٌ فِي أَسْمَاءِ شَتَّى	
	كَلَاهِ قَاضِيَانِ	الدَّيْبَةُ
	جَامَةُ نَرَمِ	الْبِرُّ
	كُهْنِ	السَّحَقُ و البَالِي و الطِّمْرُ و الرَثُّ

	جَامَهُ دَاشَتَهُ	اللَّيْسُ
	اَبْرِيشَم	الْاَبْرِيشَمُ
	پَشْمِينَه	الْمِذْرَعَةُ
	پُرزَه جَامَه	الزَّبِيرُ وَ الْخَمْلُ
	رِيشَه جَامَه	الْهُدْبَةُ
	آينَه	الْمَاوِيَّةُ وَ السَّجْنَجَلُ
	سَرخَارَه	الْمِذْرَى
	تَخْتِ پَادشَاهَان	الْعَرْشُ
	دِيگِ رُوئين	الصَّادُ
ج	اَلْاِرُونِ گُو آتَش دَان	الْاِرَةُ
	دَسْتِيَه آسِيَا	الْمِجْسُ وَ رَحَاءُ الْيَدِ
	خَوَان رِيزه	الْحِثَالَةُ
	گُوشت آهِنج	الْمِنْشَلُ
	خَلِ چِرَاغ	الْقِرَاطَةُ
	كُوَز اُوِيژ	الْبَرَادَةُ
	شَمْع دَان	الْمَشْمَعَةُ
	پَلَّاس كِي فرو كِنْد	الْحِلْسُ
ج	المَرَقِي پَايَه نَرْدَبَان	الْمِرْقَاةُ
	نَيْزَه بَا عَلَامَت	الْمِطْرَدُ
ج	الدَّرَايَا نَشَانَه نَيْزَه	الدَّرِيَّةُ
	كَفِ دَهْنِ شَتْر	اللِّغَامُ
ج	النُّسُوعُ نَوَار	النُّسُوعُ وَ الْوَضِينُ



ج	المَرَقْدُ	كَزَاوَه	المَرَاقِدُ
ج	العَطْنُ و المَنَاخُ	جایگاه شتر	الاعْطَانُ
	اللَّبْدَةُ	موی گردنِ شیر	
ج	اللَّبِيدُ	نمذ	اللَّبُودُ
	الخَشَاشُ	خَسْتَر	
	دُودُ القَزِّ	کِرِم کَزُ	

### فَصْلٌ

ج	الریشُ	پَر مُرَغ	الآرِيَاشُ
	القُدَامَى	پَر پِیشین	
ج	الخَافِيَةُ	وآپسین	الخَوَافِي
	الثُّغْرُ	بِچَه بنجشک	
ج	الرَعَثَةُ	آنک از گردنِ خرّوه فرو آویخته باشد	الرَعَثَاتُ

### فَصْلٌ

	القَفْرُ	زَمِين خَالِي	
	الْحَدُورُ و الهَبُوطُ	نشیب	
	الصَّوْدُ و الكَوُودُ	بَالَا	
ج	السَّبِيحَةُ	شُورَه	السَّبِيحُ
	القَتَامُ	العُبَارُ	
	السَّقِطُ و اللُّوَى	دَامِن رِيگ	
	الرِكَازُ	آنک خدای آفریده است از گوهرها در گوه	

	ارزیز	الصَّرْفَانُ
	بُلُور	المَهَا
	آب رُوزِه	الشَّرْبُ
ج	دَرِيَا	اليَمُّ
	رُودخَانَه	الْأَبْطَحُ وَ الْبَطْحَاءُ
	مَوْرِي	الْبَرِيخُ
ج	تُخْم	الْبِذْرُ
	بُذُورُ	
	زَرشِك	العِشْرُقُ
	زَمِينِي كِي آب بَدُو رَسَد	السَّقِيَّةُ
	زَمِينِي كِي آب بَدُو نَرَسَد	الْبَحْسِيَّةُ
	كُونَه درخت	الجِدَلُ وَ الْجِدْعُ
	تَاغُن	التَّنِيقُ
	بِنَاذ	القَاعِدَةُ
	پِشْتِيوَان سَانِي وَمطالعات فرانسِي	الدِّعَامَةُ
ج	زَانُوء دِيوَار	الرُّكْنُ
	شِيءٌ كَهَيْئَةِ الصُّفَّةِ	الظَّلَّةُ
	بِيْمَارَسْتَان	دَارُ الْمَرَضَى
	گُور	الجَدَثُ
	تَحْتِ مُرْدَه	التَّعْشُ
ج	مَعْرُوفَةُ	الْجَنَازَةُ
	الْجَنَائِزُ	
ج	جَاي	المَكَانُ وَ المَوْضِعُ وَ المَوْطِنُ
	الْأَمَاكِنُ وَ الْأَمَكِنَةُ وَ المَوَاضِعُ وَ المَوَاطِنُ	
ج	آنجا كِي بَنَشِينَد	المَجْلِسُ
	المَجَالِسُ	

		آنجا کی فراہم آئند	المَجْمَعُ
		جایگاہ شیر	الغَابُ و الشَّرَی و الخیسُ
ج	السُّمُوكُ	آسمانہ	السَّمَكُ
		پوشش از نئی	الْخَصُّ
ج	الجُدُوعُ	درختی کی سف را شاید	الْجَذَعُ
		صُفَّه	الْبَهُوُ
ج	المَخَادِعُ	گنجینہ	المُخَدَعُ
		بنائِ زبیرین	السِّفْلُ
		بنائِ زبیرین	العُلُوُ
		آنک با سوی مَشْرِقِ دَارذ	الشَّرْقِيُّ
		آنک با سوی مَغْرِبِ دَارذ	الْمَغْرِبِيُّ
		فَصْلٌ	
		ہولوم انسانی و مطالعات فرہنگی	الهُوَاءُ و الْجَوُّ و اللُّوْحُ
		ابر	الغَيْمُ و الغَيْنُ
ج	الصَّوَاعِقُ	آتس کی از ابر بیرون آید	الصَّاعِقَةُ
		بارانی کی نخست آید	الْوَسْمِيُّ
		دُومِين	الْوَلِيُّ
		سَرْمَا	الْقُرُّ و الصَّرُّ
ج	الغَوَادِي	میغی کی بامداد آید	الغَادِيَّةُ
ج	السَّوَارِي	میغی کی شب روڈ	السَّارِيَّةُ
		تَکْرُكُ	الْقَطِّطُ

	بُزْ كِی بامداد بر زمین افتاده باشد	الْجَلِيدُ وَ الضَّرِيبُ
ج	الْمَجَامِدُ	الْمَجْمَدَةُ
ج	الْمَتَالِجُ	الْمَثَلِجَةُ
	سَال قَحْطُ	السَّنَةُ
	بَرْگ ریزان	الْخَرِيفُ
	حَلْفَهَا كِی دَر یكدیگر می گردد	الْمَرَاوِدُ
	سَنگ سَبِید و سُسْت	الْيَرْمَعُ
	نَاوَه	الرَّاقُودُ
	كَارْد بَرزگ	الضَّلْتُ
		۴ ...
	آن جَامَه كِی بِنْدَه رَا دَر آن عَرَض كُنند	الْمِعْرَضُ
ج	الْأَصْوَاتُ	الْصَوْتُ
ج	الْأَبْكَارُ وَ الْبِكَارَةُ	الْبِكْرُ

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

والله اعلم بالصواب

تَمَّتِ السَّنَةُ بِعَوْنِ اللَّهِ تَعَالَى وَ حُسْنِ تَوْفِيقِهِ

علی یدی العبد الراجی عفو ربه عبدالملک بن ابرهیم بن عبدالرحمن التقفالی علی طریق

الاستعجال فی الخامس [و] العشرین من شوال سنه ثمان [و] ستین [و] ستماء.

در زیر به تعدادی از لغات فارسی با معادل‌های عربی آنها اشاره می‌شود.

الشُّرْب	آب روزه
السَّمَك	آسمانه
[وَجَهٌ] مُجَدَّرٌ	آوله‌نشان (روی ~)
الصَّرْفَان	ارزیز
الزَّيْنِ وَ الضَّمِينِ	آوگار
المَكْس	باژ
المَكَّاس	باژوان
[وَجَهٌ] مُهَبَّجٌ	برآماسیده (روی ~)
المَثَلِجَة	برف‌دان
الخرِيف	برگریزان
اللَّوَى	برماندگی
الزَّحِير	برینا
الجلید و الضَّریب و المطالعات فریبی	بژ
التُّغْر	بنجشک (بچه ~)
البوقی	بوقزن
[إمرأة] معطارٌ و عطرَةٌ	بویا
المُخَدَّرَة و المقصورة	پردگی
الزَّئْبِر و الخَمَل	پُرزه (~ جامه)
الدِّعامة	پُشتیوان
الخُبث و النَّجاسة و القَدَر	پلیذه
المعص	پیچای ناف

العِصَابَة	پیشانی‌بند
التَّبَقُّ	تاغُن
التَّعْشُ	تختِ مرده
البُرَايَة	تراششِ قلم
التُّحَاتَة	تَرَاشَه
العَفِص	تَرُنْجُون
العُفُوصَة	تَرُنْجُونِی
البارع و الكامل	تمام آلت
المِسْلَى	جوال‌دوزگر
العَفْج و الحَوِيَّة	چَرَبِ رُود
اللُّقْطَة	چینه
المُسْتَحِث	خراجِ پِزول
المُسْتَخْرِج	خراجِ سِتان
المرعثة (آنک از گردن ~ فرو آویخته باشد)	خروه
المَلَّة	خُرَيْز
الخَشَّاش	خَسْتَر
القُرَاطَة	خُلِّ چِراغ
المُعْبِر	خواب‌گُزار
الحُثَالَة	خوانِ ریزه
الطَّعَم	خوای
العُقْبَة	خوردی (باقی ~)
الأُكْلَة	خُورَه

خَوَى العَرَق

داشته (جامه ~)

اللَّبِيس

داش گر الفَخَّارِي

دامي الوَحْش

دُبِير السَّافِر

دردِ زَه المَخَاض وَ الطَّلُق

دَسْتَرَه (ریزه ~) التُّشَارَة

دستوانه (~ باز) القَفَّاز

دشخوار العَسِير

دل برخاسته الهَايِم

دوشیزگی البَكَارَة

دیرینه الدُّمْرِي

راو السُّلَاف

راه‌بر

شُرُوبُ الدَّلِيلِ عُلُومِ الْإِنْسَانِي وَمَطَالَعَاتُ فَرْسِي

مَجَالُ جَبَلِ عُلُومِ الْإِنْسَانِي

روذگانی المَصِير وَ القُتْب

ریزه (~ دَسْتَرَه) التُّشَارَة

ریش بز شک الآسِي

زادخوست القَصِيح

زه رسیذه المَقْرَب

زینهاریان أَهْلُ الذِّمَّة

ساخت (آنک ~ برزند) المُرْكَب

ساذه بکرده الخِصِيَّة وَ الخِصِيَان وَ المَجْبُوب وَ المَمْسُوح

المَلَّاذ	سَخُنُ فَرُوش
المِدْرَى	سِرْخَارَه
المَعْجُون	سِرْشَتَه
السُّنْجَرَف	سِنْگَرَف
المُشْطَى	شانه گر
الدَّهَق	شکنجه
الْوَسَخ	شوخ
[ وَجَهٌ ] صَفِيقٌ وَوَيْحٌ	شُوخ روى
المُصَدِّق	صدقه‌ستان
المُصَوِّر	صورت‌گر
العَلْمِيَّ	علم‌دار
البالغة و المذكره	فرارسيده
الجلس	فروکردن (پلاس کی فرو کنند) (فروکردن: گستردن، انداختن)
العمالة	کاردارانه
الجلية	کره (~ ریش)
دود القز	کز (~ کرم)
المرقد	کزآوه
البرادة	کوزاویژ
الجدل و الجذع	کونه درخت
الزرغب	کیمغد
الشدر	گاورسه
المئتين و المخبم و المصل	گندا



الارّة	گو (~ آتش دان)
المِنْشَل	گوشت آهنج
الدّارِش	لکا
المَحامِلِيّ	مَحْمِلِ فروش
الْبَرِيخ	موری
العِقاَص	موی بند
الشَّرِيْب و الخَمِيْر	می خواره
الرّاقُوْد	ناوه
الجَلِيْب	نُو بَرَدَه
الْغَفَّة و الْبُلْغَة و الْمَسْكَة	نیاز وا دار
السّفوف	واپی کردن (دارویی کی واپی کنند)
الأسر	واگرفتن (~ بول)
المأسور	واگرفته (بول~)
الخامع و الظّالِع	والتگیدن (آنک والتگذ)
الرّوْع و الخَلْد و البال و الذّهن	هوش دل
المُجمّدة	یخ دان
الغابّ	یخنی

### منابع

صادقی، علی اشرف (۱۳۸۶)، «البلغه»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، ج ۲، به سرپرستی اسماعیل سعادت، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران.

صفری آق قلعه، علی (۱۳۸۸)، «کهن ترین دست‌نویس البلغه»، گزارش میراث، دوره ۲، س ۴، ش ۳۵، ص

فنجگردی نیشابوری، ابوالحسن علی بن احمد (۱۳۸۴)، سلوة الشیعه، پژوهش جويا جهانبخش، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران.

قاسمی، مسعود (۱۳۸۳)، «درباره لغات نسخه کهن کتاب البلغه»، نامه پژوهشگاه، (تاجیکستان)، س ۴، ش ۶، ص ۵-۳۰.

کردی نیشابوری، ادیب یعقوب (۲۵۳۵)، کتاب البلغه، به اهتمام مجتبی مینوی و فیروز حریرچی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران.

میدانی، ابوالفتح احمد بن محمد (۱۳۴۵)، السامی فی الأسامی، (عکس نسخه مکتوب به سال ۶۰۱ هجری قمری)، بنیاد فرهنگ ایران، تهران.

